



# چشم در چشم ایران

انتشارات معمارخانه باغ شهر  
memarkhane.com



# چشم در چشم ایران

عکس‌های آنتوان سوریوگین

از ایران دوره قاجار

اسفندیار حیدری‌پور

memarkhane.com



معمارخانه باغ نظر

شناسه: حیدری پور، اسفندیار، ۱۳۵۴-، گردآورنده / عنوان و نام پدیدآور: چشم در چشم ایران، عکس‌های آنتوان سوربوگین از ایران دوره قاجار / اسفندیار حیدری پور / مشخصات نشر: اصفهان: معمارخانه باغ نظر، ۱۳۹۷. / مشخصات ظاهری: ۳۱۶ ص.:: مصور(بخشی رنگی). / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۸۳-۲۸-۰ / وضعیت فهرست نویسی: فیپا / موضوع: سوربوگین، آنتوان، ۱۸۴۰ م. - ۱۹۳۳ م. / موضوع: Sevruguin, Antoin / موضوع: عکاسی -- ایران -- تاریخ / موضوع: Photography -- Iran -- History / موضوع: عکس‌ها -- ایران / موضوع: Photographs -- Iran / موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق -- عکس‌ها / موضوع: Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925 Photographs / رده‌بندی دیویی: ۷۷۰/۹۵۵ / شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۸۱۳۰۶

انتشارات معمارخانه باغ نظر

گردآورنده: اسفندیار حیدری پور

ویراستار: بتول حیدری

طراحی: استودیو عباسی

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۸۸۳ - ۲۸ - ۰

چاپ: جهان بین

صحافی: علی

این اثر مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر نوع تکثیر، انتشار یا استفاده از تمامی یا بخشی از اثر به شکل فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.



انتشارات معمارخانه باغ شهر

memarkhane.com

انتشارات معمارخانه باغ نظر

اصفهان، خیابان فردوسی، خیابان شهید موحیدیان (ثریا)، پلاک ۳۱۸، واحد ۱ - کدپستی: ۸۱۴۳۹۵۳۸۱۱

تلفکس: ۳۲۲۳۶۰۰۱ (۰۳۱)

آدرس ایمیل: [memarkhanch.baghnazar@gmail.com](mailto:memarkhanch.baghnazar@gmail.com)

[baghshahr.rc.isf@gmail.com](mailto:baghshahr.rc.isf@gmail.com)

مقدمه

---

۶

انسان

---

۱۱

محیط و معماری

---

۲۱۹

انتشارات صنایع دستی شهر

memarkhane.com

---

۴۰۱

## مقدمه

اسفندیار حیدری پور



آنتوان سورویوگین، شهروین  
قبل از سال ۱۸۸۰

یکی از هنرهایی که پیشینه‌ای نه چندان کهن دارد، هنر عکاسی است که در ایران تقریباً همپا و همتای آن در جهان آغاز شد. فن عکاسی در جهان در سال ۱۸۳۹ میلادی در فرانسه آغاز شد و سه سال بعد، پس از آنکه تزار روس وسایل عکاسی را به دربار محمدشاه قاجار هدیه داد، وارد ایران شد. دربار قاجار و به ویژه ناصرالدین‌شاه به سرعت شیفته این فن شدند و در نتیجه، عکاسی پیشرفت کرد و به خانه اعیان و اشراف و سپس به میان عامه مردم نیز راه یافت. علاقه ناصرالدین‌شاه به ثبت رویدادها و وقایع مهم در ایران که از سفرنامه‌نویسی‌های او نیز به خوبی فهمیده می‌شود، به وسیله عکس عینیت بیشتری یافته است. او به یاری عکاسانی که از اماکن و رویدادها و اشخاص مهم عکاسی کردند، مجموعه بزرگی از عکس‌های مستند ایران در قرن ۱۹ میلادی فراهم کرد.

پس از سال ۱۸۶۰ میلادی، در مدرسه دارالفنون درس‌های عکاسی در برنامه درسی گنجانده شدند و نخستین معلمان آن، اروپاییانی از فرانسه، اتریش و ایتالیا بودند. به زودی عده‌ای از درباریان و شاهزادگان نیز در عکاسی تبحر یافتند و عکاس‌خانه مبارکه سلطنتی در کاخ گلستان تأسیس شد و به دستور شاه، رساله‌هایی درباره عکاسی نگاشته و ترجمه شد. شاه خود نیز شخصاً به عکاسی می‌پرداخت و عکاس‌باشی همچون نقاش‌باشی در دربار قاجار جایگاهی ویژه داشت.

تاریخ ایران عکاسان بسیاری را به خود دیده است که گواهی بر قدمت این هنر زیبا بیاورد؛ ایرانیانی مانند آقا رضا اقبال السلطنه، عبدالله قاجار و میرزا ابراهیم صحاف‌باشی تهرانی (بازرگان متجدد و آزادی‌خواهی که یکی از نخستین سینماهای ایران را بنیان نهاد) و غیر ایرانیانی که به هنر و فرهنگ ایران دل بسته بودند، مانند ایوانف<sup>۱</sup> معروف به روسی‌خان که شاگرد عبدالله قاجار بود و عکاس‌خانه‌ای در خیابان علاءالدوله (فردوسی کنونی) با شراکت میرزا مهدی‌خان مصورالملک تأسیس کرده بود، پروف‌سور پوپ<sup>۲</sup> آمریکایی که برای نخستین بار در سال ۱۹۲۵ میلادی / ۱۳۰۴ شمسی به ایران آمد و ارنست هولستر<sup>۳</sup> آلمانی که تلگرافچی تلگراف‌خانه معتبری در اصفهان بود و بعد از ازدواجش با دختری ارمنی اهل اصفهان، برای همیشه پایبند ایران شد و در این دیار ماند. در بیان قدمت عکس گرفتن از شخصیت‌های ایرانی نیز باید از گاسپار تورناشون معروف به نادار<sup>۴</sup> (۱۹۱۰-۱۸۲۰ میلادی) یاد کرد که اگرچه هیچ‌گاه به ایران نیامد اما عکس‌های ناصرالدین‌شاه در اولین و سومین سفرش به فرنگ یادگار اوست.

از آنتوان سورویوگین<sup>۵</sup>، یکی از عکاسان معروف و هنرمند و باذوق قفقازی نیز باید یاد کرد که شخصیتی تأثیرگذار در هنر عکاسی ایران بود و اگرچه ایرانی نبود اما تا پایان عمر، پایبند ایران و مردمانش باقی ماند. وی در اواخر دهه ۱۸۳۰ میلادی، در سفارت روسیه در تهران از پدری ارمنی و تبعه روس به نام واسیلی سورویوگین<sup>۶</sup> که خاورشناس و دیپلمات سفارت روسیه بود و مادری گرجی به نام آچین خانم<sup>۷</sup> متولد شد. پس از آنکه پدر آنتوان بر اثر حادثه‌ای در اسب‌سواری از دنیا رفت و دولت تزاری از دادن حقوق او به خانواده‌اش سر باز زد، خانواده وی به گرجستان بازگشتند و اندکی پس از آن، به شهر کوچک آکولیس<sup>۸</sup> رفتند. آنتوان و برادرانش کولیا و امانوئل<sup>۹</sup> در این شهر به تحصیل پرداختند اما برادر بزرگ‌ترشان ایوان<sup>۱۰</sup>، دانشجوی آکادمی نظامی شد و بعدها به سبب فعالیت‌های سیاسی خود به سیبری تبعید گردید.

آنتوان در ابتدا با وجود آنکه به نقاشی علاقه‌مند بود، به عکاسی روی آورد و به همراه برادرانش امانوئل و کولیا نزد عکاس معروف روسی، دیمتری ایوانوویچ چرماکوف (ژرماکوف)<sup>۱۱</sup> (۱۹۱۶-۱۸۴۵ میلادی) در تفلیس دوره عکاسی را گذراند؛ چرماکوف از سال ۱۸۷۰ میلادی مشغول سفر و عکاسی از ایران بود و

1. Ivano

2. Arthur Upham Pope

3. Ernst Hoeltzer

4. Gaspard-Félix Tourmacion, Nadar

5. Antoin Sevrugin نام وی در منابع مختلف در اشکال مختلفی

از جمله سرونیان (Serunian)، سگروویان (Segruvian)، سورویوگین

(Sevriogin)، سورویوگین (Sevrugin) و سورگوبین (Sevrugine) به

چشم می‌خورد.

6. Vassil de Sevrugin

7. Achin Khanoum

8. Agulis

9. Kolia and Emanuel

10. Ivan

11. Dimitry Iwanowitch Jermakov

سوریوگین نیز پس از آشنایی با وی، در سال ۱۸۷۵ میلادی مصمم شد به ایران سفر کند و به عکاسی از مردم و فرهنگ و جغرافیای آن بپردازد؛ بدین ترتیب، وی برادرانش را که هردو از بازرگانان باکو بودند ترغیب کرد تا وی را همراهی کنند و سرانجام همراه آنان به ایران آمد و در تبریز ساکن شد و عکاس‌خانه خود را در این شهر دایر کرد.

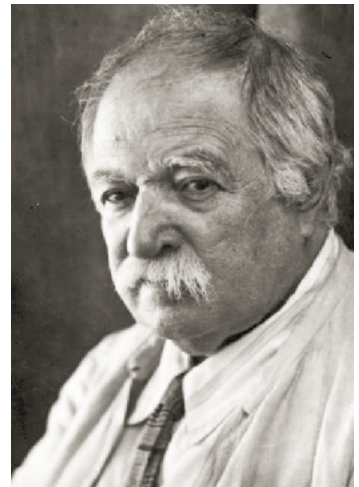
وی بر اثر شهرتی که در تبریز به دست آورده بود، به حضور مظفرالدین‌شاه که در آن زمان ولیعهد بود راه یافت و دوستی وی با ولیعهد تا آنجا رسید که در سال ۱۲۹۵ قمری با توجه به آنکه زبان فرانسه را خوب می‌دانست، کتابی را در فن عکاسی از لیبر<sup>۱۲</sup>، یکی از عکاسان مشهور پاریس، ترجمه و به وی تقدیم کرد. این ترجمه، چهارمین اثر درباره هنر عکاسی و نخستین ترجمه درباره این هنر به زبان فارسی بود و با نام «فن عکاسی» منتشر شد. نسخه این ترجمه که هم‌اکنون در کتابخانه ملی تهران به شماره ۱۶۷۹/ف نگهداری می‌شود، شامل ۱۰۳ برگ به قطع ۲۴۰×۱۱۵ میلیمتر با یازده سطر در هر برگ به خط نستعلیق خوش است و در حاشیه صفحات آن، اصطلاحات و واژه‌های فنی به خط و زبان فرانسوی توضیح داده شده است.

هنگامی که مظفرالدین‌شاه برای به دست گرفتن قدرت عازم تهران شد، آنتوان نیز همراه وی به تهران رفت. وی در تهران در خیابان علاءالدوله کنار در شرقی میدان مشق، عکاس‌خانه‌ای تأسیس کرد که کارهای هنری آن بر عهده خودش بود و امور تجاری را برادرانش انجام می‌دادند. علاقه او به ایران تا حدی بود که خود را «آنتوان‌خان، پرورده ایران» می‌نامید و خود را برای مشتریان این گونه معرفی می‌کرد: «آنتوان‌خان سوریوگین، عکاس روس، خیابان علاءالدوله نبش میدان مشق».

سوریوگین به علت اینکه توانایی صحبت کردن به زبان فارسی را داشت، به خوبی توانست با قشرهای فرهنگی مختلف مردم ایران ارتباط برقرار کند؛ از طرف دیگر، با دختری ایرانی‌نژاد از ارمنه به نام لوئیز گورگینا<sup>۱۳</sup> ازدواج کرد و با این کار توانست به سادگی از قومیت‌های مختلف عکاسی کند و وارد طبقات مختلف جامعه روستایی ایران شود. اخلاق خوش و روی گشاده وی نیز نزدیکی او را به سوژه‌هایش دوچندان می‌کرد.

پس از مدتی، عکس‌های سوریوگین توجه ناصرالدین‌شاه را جلب کرد و شاه او را به عنوان یکی از عکاسان دربار انتخاب کرد و به او لقب «خان» داد و از آن به بعد، وی به آنتوان‌خان معروف شد. توجه او و شاه قاجار به عکاسی و به‌روزشدن این هنر در ایران تا حدی بود که سوریوگین سالیانه به وین و دیگر شهرهای اروپایی مسافرت می‌کرد تا همواره از آخرین اطلاعات عکاسی باخیر شود. وی علاوه بر سفرهای خارجی، به نقاط مختلفی از ایران نیز سفر کرد تا اماکن مختلف ایران را در قالب تصویر ثبت کند. گرفتن عکس‌های آتلیه‌ای از حاکمان و خان‌های محلی نیز سبب دوستی وی با آنها شده بود و به همین سبب، این افراد امنیت سفرهای او را برای عکاسی در نقاط مختلف ایران تأمین می‌کردند. سوریوگین در عکاسی مهارت بسیاری داشت چنان که در دوره مظفرالدین‌شاه موفق به دریافت نشان شیر و خورشید الماس‌نشان شد و مقام عکاس رسمی ناصرالدین‌شاه و همچنین شاهان بعد از او تا رضاشاه پهلوی را از آن خود کرد. وی از نمایشگاه سال ۱۸۹۷ میلادی بروکسل و نمایشگاه سال ۱۹۰۰ میلادی پاریس نیز مدال افتخار دریافت کرده بود.

سوریوگین یکی از پرکارترین فعالان تاریخ عکاسی ایران به شمار می‌رود، تا آنجا که در طول مدت کارش هفت‌هزار نگاتیو شیشه‌ای را که برخی از آنها به عکاسان پیش از وی تعلق داشت جمع‌آوری کرد. عکس‌های وی اکثراً شامل مناظری از شاهان قاجار و وابستگان‌شان، دربار ایران، آثار باستانی ایران مانند تخت جمشید و نقش رستم، زندگی روزمره اقوام ایرانی و زنان و مردان ایرانی در لباس‌های محلی است. بیشتر این عکس‌ها به سال‌های ۱۲۴۹ تا ۱۳۰۹ شمسی مربوط هستند. تلاش سوریوگین برای ثبت روزگار ایران و ایرانیان، به خوبی از گستره کمی و کیفی آثارش فهمیده می‌شود. او سعی می‌کرد تا تمام جنبه‌های فرهنگی ایران از آداب و رسوم و مذهب گرفته تا جشن‌ها و روش‌های تنبیه خرافکاران را به نمایش بگذارد. عکس‌های سوریوگین از نظر سیاسی نیز ارزش فراوانی دارند؛ از آن جمله است تصاویر میرزا رضای کرمانی پس از قتل وی و مراسم تشییع جنازه ناصرالدین‌شاه و رخدادهای نهضت مشروطیت و مناظری از تنبیه مخالفان.



آنتوان سوریوگین در سال‌های بعد از ۱۹۳۰ میلادی

12. Libert

13. Louise Courgenian

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های سوریوگین عکس‌برداری از بناهای تاریخی هخامنشیان و ساسانیان بود که فردی به نام فردریش سار<sup>۱۴</sup>، مورخ هنر، به وی واگذار کرد. ادعا می‌شود که سار از تمام عکس‌های سوریوگین در نشریهٔ برلین ۱۹۱۰ (Iranische Felsrelie) که با همکاری ارنست هرتسفلد<sup>۱۵</sup> به چاپ رسید استفاده کرد اما نامی از سوریوگین نبرد.

معمول بود که در گرفتن عکس از آثار باستانی، فردی به عنوان معیار سنجش و نشان دادن عظمت بنا در تصویر قرار گیرد. این معیار انسانی در اکثر عکس‌های سوریوگین، خودش بود که معمولاً در گوشه‌ای از تصویر می‌ایستاد تا با این کار بیننده را به نوعی با خود شریک کند.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات سوریوگین در هنر عکاسی، تغییری بود که وی در لباس زنان ایرانی ایجاد کرد. او با نشان دادن تعدادی عکس هنری و صحنه‌آرایی شده از دو تن از مدل‌های ملبس به لباس باله به ناصرالدین‌شاه سبب شد شاه تحت تأثیر آن عکس‌ها دامن‌های کوتاه باله را جانشین شلواری‌های پاچه‌گشاد و سنتی زنان حرمسرا کند.

از دیگر فعالیت‌های سوریوگین در حوزهٔ هنر عکاسی در ایران همکاری با پروفیسور پوپ در فراهم کردن عکس‌های کتاب «سیری در هنر ایران» بود. جهانگردان و پژوهشگران اروپایی نیز که در سدهٔ نوزدهم و آغاز سدهٔ بیستم میلادی به ایران سفر می‌کردند و خود عکاس نبودند از عکس‌های سوریوگین برای چاپ در سفرنامه‌ها و کتاب‌های خود استفاده می‌کردند و به همین سبب، شمار زیادی از عکس‌های سوریوگین به سفرنامه‌ها راه یافت و شهرت وی را در همان زمان زندگی وی به خارج از ایران رساند. بهترین نمونهٔ این عکس‌ها را می‌توان در کتاب «از خراسان تا بختیاری» هانری رنه دالمانی<sup>۱۶</sup> دید.

سوریوگین مشتری‌های خارجی نیز داشت و می‌توان عنوان یکی از نخستین آژانس‌های عکس ایران را به وی نسبت داد. برخی عکس‌های او از حالت مستندنگاری به معنای امروزی دورند و بازسازی شده‌اند که البته این مسئله از ارزش‌های دیگر کارهای او در عکس‌برداری از زندگی روزمرهٔ مردم ایران در قرن نوزدهم چیزی کم نمی‌کند. وی این نوع عکس‌ها را با افراد مشخصی ساخته است و پیش از او نیز عکاسانی بودند که چنین کاری کرده باشند؛ مثلاً در قرن نوزدهم و در دوران قاجار و دربار شاه، محال است که بیگانه و نامحرمی بتواند چنین عکس‌هایی از زنان دربار بگیرد و یقیناً چنین عکس‌هایی ساختگی‌اند. سوریوگین معمولاً این عکس‌ها را با کلدانی‌ها و ارمنی‌ها می‌ساخت ولی عکس‌ها را به عنوان عکس مستند تحویل می‌داد. حتی صحنه‌هایی از فلک‌کردن در میان عکس‌ها موجود است که عکاسی از چنین صحنه‌ای با مشکلات تکنیکی ممکن نیست و قطعاً این تصاویر ساختگی هستند.

سوریوگین توجه و حساسیت بسیاری به کیفیت و تغییرات نور در عکس‌ها داشت؛ به همین سبب بیشتر عکس‌هایش را در میانهٔ روز و هنگامی که تابش عمودی خورشید، سایه‌ها را کوتاه می‌کند می‌گرفت. وی از عکاسان برجستهٔ چهره (پرتره) نیز بود و مانند بسیاری از عکاسان هم‌عصر خود، پرتره‌هایش را بر کاغذ سختی می‌چسباند که نام تجاری عکاس نیز بر آن حک شده بود. مهرپر نقش و نگار وی گواهی از هویت واحد و مستقل او و تعلق خاطرش به عکس‌هایش و همتش برای گردآوری نگاتیوهاست. رایج‌ترین مهر او شامل مجموعهٔ مفصلی از نمادها به همراه نوشته‌هایی به سه زبان مختلف است. سمت چپ آن نشان امپراتوری پارس ایران (شیر و خورشید) است که آن را به پاس خدماتش به خاندان سلطنتی گرفت. در قسمت فوقانی مُهر، دو مدال دیگر است که در نمایشگاه‌های اروپایی بروکسل و پاریس کسب کرد. تصویر سه مدال بزرگ نگاره‌نشان با نام‌های نیئپس، داگرو و تالبوت نیز دیده می‌شود. نگاتیوهای وی منظم و شماره‌دار بودند و شماره‌ها به شیوهٔ رقم زدن هنرمندان نقاش ایرانی در گوشه و کنار شیشه‌ها به گونه‌ای نوشته می‌شدند که کمتر به چشم بخورند.

سوریوگین در کنار عکاسی، به نقاشی و مطالعهٔ نقاشی سنتی ایرانی نیز علاقه داشت و بخشی از زمان خود را صرف بررسی آثار مینیاتوریست‌هایی مانند استاد بهزاد و رضا عباسی می‌کرد. از نقاشان اروپایی نیز علاقهٔ زیادی به نقاش هلندی قرن هفدهم میلادی، رامبراند، داشت و نقاشی‌های این نقاش احتمالاً تأثیر عمیقی بر آثار سوریوگین و نورپردازی‌های منحصر به فرد به او داشته است.



یکی از ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی سوریوگین، ارتباط او با مشروطه‌خواهان بود، تا آنجا که محمدعلی‌شاه قاجار با وی برسر این ماجرا دشمنی‌هایی داشت و این دشمنی سبب شد در عکاس‌خانه او بمبی کار بگذارند و آنجا را منفجر کنند که حدود ۵ هزار نگاتیو شیشه‌ای او را نابود کرد. به روایتی دیگر، با وقوع انقلاب مشروطه و آشوب‌ها و هرج‌ومرج‌های ناشی از آن، منزل ظهیرالدوله را در همسایگی آتلیه او به توپ بستند و در اثر این حمله، بسیاری از شیشه‌های عکس او از بین رفتند. در دوره رضاخان نیز عکس‌های وی توقیف شدند و حدود دوهزار شیشه به بهانه مدرنیزه شدن از بین رفتند زیرا رضاشاه آنها را متعلق به ایران قدیم و از ممد افتاده می‌دانست؛ در نهایت، دخترش ماری که در اوپسین سال‌های عمر سوریوگین عکاس‌خانه را اداره می‌کرد توانست ۶۹۶ قطعه از شیشه‌ها را به واسطه دوستی خود با محمدرضا شاه از توقیف درآورد.

آثار سوریوگین بعد از مرگ او و تعطیل شدن عکاس‌خانه‌اش به کلیسای پروتستان آمریکایی تهران منتقل شدند و در سال ۱۹۵۱، در اختیار موسسه اسمیتسونین<sup>۱۷</sup> در شهر واشینگتن قرار گرفتند و اکنون در گالری هنر فریر<sup>۱۸</sup> نگهداری می‌شوند. ۱۶۸ قطعه از عکس‌های وی نیز در مجموعه عکس‌های دیپلماتی هلندی به نام ویلیام لودویک بوسخارت<sup>۱۹</sup> به موزه مردم‌شناسی شهر لیدن در کشور هلند هدیه شده‌اند. به روایت ایرج افشار پس از مرگ سوریوگین در سال ۱۹۲۰ و به روایت دانا استاین<sup>۲۰</sup>، در سال ۱۹۳۰ همسر او قسمت اعظم شیشه‌های نگاتیوش را به گروهی از مبلغان مذهبی آمریکا فروخت و این عکس‌ها در حال حاضر در اختیار گالری واشینگتن قرار دارند.

سوریوگین سرانجام در حالی که نود و اندی سال داشت، در اثر عفونت کلیه از پای درآمد و در آرامگاه خانوادگی‌اش در تهران به خاک سپرده شد. یکی از هفت فرزند او، هنرمند و مینیاتور معروف و یکی از بنیان‌گذاران شیوه مردمی در نقاشی ایرانی معروف به نقاشی قهوه‌خانه‌ای، آندره سوریوگین<sup>۲۱</sup> ملقب به درویش است که در آغاز جوانی در آتلیه پدرش مشغول عکاسی بود. وی ابتدا از مینیاتورهای استاد معروف، «پل ماک»، که نقاش دربار ایران بود الهام می‌گرفت و سپس سبک و شیوه‌ای خاص خود برگزید و شخصیت هنری تجاری یافت. نقاشی‌های رباعیات خیام و شاهنامه و فردوسی که از آثار اوست شهرت جهانی دارند.

#### منابع

- آرنود، امیر (۱۳۹۳). آنتوان سوریوگین، عکاس روایتگر عصر ناصری. بخارا، س. ۱۵، ش. ۹۹، صص. ۹۴-۶۰.
- ابوالفتحی، مهدخت (۱۳۹۴). تاریخ مستند عکاسی دوره ناصری. تهران: علم.
- استاین، دانا (۱۳۶۷). سرآغاز عکاسی در ایران. ترجمه ابراهیم هاشمی. تهران: اسپرک.
- افشار، ایرج (۱۳۷۰). گنجینه عکس‌های ایران. بخش عکاسان ایرانی. تهران: نشر فرهنگ ایران.
- ایران از نگاه سوریوگین (۱۳۷۹). تهران: زمان؛ روتدوم؛ انتشارات وان والوبک وان دورن.
- آیوازیان، ماریا (۱۳۸۱). هنر خلاقیت آنتوان سوریوگین، گزیده‌ای از پایان‌نامه ایوت تاجاریان. فصلنامه پیمان. ش. ۲۱.
- جعفری، سوسن؛ قره‌زاده شربیانی، مجید (۱۳۹۴). بازخوانی اندیشه ایران‌شهر، روایت پیشگامان عکاسی از شهرهای ایران. بخش آنتوان سوریوگین. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران. تهران: علمی و فرهنگی.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۸۱). میراث فرهنگی: آنتوان سوریوگین. بخارا، ش. ۲۳، صص. ۲۷۶-۲۶۷.
- صادقی‌لر، اسماعیل (۱۳۹۰). عکاسی و عکاسان دوره مشروطه. هنر، ش. ۸۴ و ۸۳، صص. ۲۳۶-۲۱۱.
- فورمان، کورین جی ام؛ تئو، مارتینز سرآغاز عکاسی ایران و دوران آنتوان سوریوگین. ترجمه نسیم مهرتبار ماهنامه عکس، ش. ۱۷۸، صص. ۴۶-۴۷؛ ش. ۱۷۹، صص. ۵۱-۵۰؛ ش. ۱۸۰، صص. ۵۱-۵۰؛ ش. ۱۸۱، ص. ۵۰.
- کسیری، مه‌ری (۱۳۹۵). عکاسی مستند ایران در قرن نوزدهم، تحقیقات جدید در علوم انسانی. س. ۳، ش. ۱۳، صص. ۴۱-۲۹.
- هویان، آندرانیک (۱۳۸۶). ناصرالدین‌شاه عکاس. گلستان هنر، ش. ۸، صص. ۶۰-۵۲.
- Myron Bement Smith Collection: Antoin Sevruguin Photographs. Freer Gallery of Art and Arthur M. Sackler Gallery Archives.
- Smithsonian Institution, Washington D.C. Gift of Katherine Dennis Smith, 1973-1985.
- www.iranicaonline.org/articles/sevruguin-antoin-1